

## امیر خسرو دهلوی



امیر ناصرالدین ابوالحسن خسرو فرزند امیر سیف الدین محمود دهلوی، بی تردید بزرگترین شاعر فارسی گوی هند و یکی از شاعران شیرین سخن و نیرو مند فارسی در نیمه دوم قرن هفتم و اوایل قرن هشتم است. او در سال 651 ه.ق در شهر دهلوی هندوستان به دنیا آمد. بقول مؤلف تاریخ فرشته محمد قاسم فرشته گفته است که: « پدرش امیر سیف الدین محمود از میرزاده های بلخ است و در حوالی قرش می بود. (1)

بقولی امیر خسرو اصلاً از قبیله لاجپن ختایی ماوراءالنهر ساکن شهر « کش » از بلاد ناحیه سغد ( در دوازده فرسنگی سمرقند ) بود و پدرش سیف الدین محمود از امرای این ناحیه بوده است. بنابر قول دولتشاه سمرقندی که در کتاب تذکره الشعراء گفته: پدر امیر خسرو هنگام حمله مغول به هندوستان مهاجرت کرده است و این مصادف بود با دوره پادشاهی شمس الدین التیمش ( 607 - 633 ه.ق. ) بر دهلوی و نواحی شمالی هندو ناحیه سند.

امیر خسرو در دوران کودکی قریحه شاعری خویش را بروز داد، و به آموزش فنون و علوم وقت پرداخت، در زبان و ادب فارسی متبحر شد. در دوره جوانی به حلقه ارادت یکی از مرشدان متصوفه هند به نام « سلطان المشایخ شیخ نظام الدین اولیاء » ( متوفی بسال 725 ه. ) درآمد و به ریاضت و طلب کمال پرداخت.

امیر خسرو چنانکه خود در مقدمه « دیوان غرة الکمال » خود گفته است " چندین استادان رامتابع بوده است " که عبارت اند از: در غزل سعدی؛ در مثنوی نظامی؛ در موعظ و حکم سنائی و خاقانی؛ در قصائد رضی الدین نیشابوری بسیار تأثیر گرفته است. و در این باره خود در پیروی از « سعدی » در غزلی چنین گفته است:

خسرو سرمست اندر ساغر معنی بریخت

شیره از خمخانه مستی که در شیراز بود

\*\*\*\*

امیر خسرو را به دلیل کثرت اشعار و آثار، « سعدی هندی » نامیده اند ولی با این همه خسرو دهلوی در زبان شیوه ای خاص دارد که بعدها سرآغازی بر سبک هندی می شود.

امیر خسرو علاوه بر اطلاعات وسیع از زبانهای فارسی و ترکی و عربی و ادبیات هر سه زبان، بزبان هندی و ادب آن نیز تسلط داشت. امیر خسرو در نظم

و نثر هر دو استاد بود . علاوه بر شعر و ادبیات، او در موسیقی نیز دست بالاداشته بدو آوازی خوش نسبت داده و گفته اند که پرده ها و نغماتی که شماره آنها به 13 بالغ می شده است ابداع کرد.

امیر خسرو دهلوی یکی از پرکارترین شاعران فارسی گوی است . جامی گوید که او « 99 کتاب » تصنیف کرده است و از قول امیر خسرو نقل کرده اند که اشعارش از «400 000» بیشتر و از «500 000» کمتر است . (2)

به همت میرزا بایسنقر پسر شاهرخ از این شماره کثیر فوق « 122000 » بیت را فراهم آورده شده که اکنون در دست است . مجموع آثار امیر خسرو دهلوی از نظم و نثر چنین تقسیم بندی شده است :

**اول - دیوان اشعار وی در بردارنده مدایح پادشاهان بوده که مشتمل بر 5 قسمت است :**

- 1- تحفة الصغر: اشعار دوره جوانی .
- 2- وسط الحیاة : اشعار در مدح « شیخ نظام الدین اولیاء » .
- 3- غرة الكمال : اشعار دوران 40 سالگی او که از شاعران بزرگی چون سنایی، نظامی و خاقانی یاد کرده است.
- 4- بقية نقيه : اشعار دوران پیری او.
- 5- نهاية الكمال : آخرین اشعار او و قصایدی در مدح سلطان غیاث الدین .

**دوم - امیر خسرو به نظامی گنجوی اعتقادی تام داشت و به تقلید او پنج مثنوی ساخته شامل :**

1 - **مطالع الانوار:** ، منظومه بیست و یکم در جواب مخزن الاسرار نظامی در « 3310 » بیت که در سال 698 هـ.ق. بمدت دو هفته سروده شد . این اثر شامل اشعار دینی و اخلاقی و موضوع آن توحید و تحقیق و تربیت ، و مدح و مرشد ثنای سلطان می باشد .

2 - **مجنون و لیلا :** این منظومه را نیز امیر خسرو بتقلید از منظومه « لیلی و مجنون نظامی » که شامل « 2660 » بیت است در سال 698 هـ.ق. سرود .

3 - **شیرین و خسرو :** این منظومه ببحر هزج مسدس مقصور یا محذوف است بتقلید از خسرو شیرین نظامی در سال 698 هـ.ق. در « 4124 » بیت به انجام رسانید .

4 - **آیینة اسکندری :** منظومه بیست و یکم در مقارب مثنی مقصور یا محذوف در « 4450 » بیت در جواب اسکندر نامه نظامی ( شرفنامه و اقبال نامه ) در سال 699 هـ.ق. سرود .

5 - **هشت بهشت :** این منظومه را امیر خسرو بسال 701 هـ.ق. در « 3352 » بیت در جواب هفت پیکر نظامی با تمام رسانید .

**سوم - منظومه های دیگر به نامهای :**

1 - **تاج الفتوح :** منظومه بیست و یکم در هزج مثنی مقصور یا محذوف که در سال 689 هـ.ق. سروده است . این اثر در اوصاف سلاطین هند بوده و دارای ارزش تاریخی و ادبی می باشد .

2 - **قران السعدين** : مثنویبیست که امیر خسرو آنرا بمدت شش ماه در سال 688 هـ.ق. سروده است.

3 - **نه سپهر** : منظومه بیست که امیر خسرو آنرا در سال 718 هـ.ق. بنام قطب الدین مبارکشاه خلجی ( 1716 - 1720 هـ.ق. ) بانجام رسانید .

4 - **تغلق نامه** : این اثر را امیر خسرو در ذکر احوال غیاث الدین تغلق شاه ( 720 - 725 هـ.ق. ) نوشت .

5 - **منظومه دُول رانی خضر خان یا « عشقیه »** : امیر خسرو این اثر را در « 4519 » بیت بسال 715 هـ.ق. سرود .

**چهارم - جواهر خسروی** : این بحث نام مجموعه یی است از اشعار امیر خسرو در باب :

نصاب بدایع العجایب - گهریال امیر خسرو که منظومه کوتاهیست در حساب انگشتان - مثنوی شهر آشوب مرکب از « 67 » رباعی - خالق باری که نصابی است برای زبان هندی - چیستان مرکب از قطعاتی به هندی .

امیر خسرو دهلوی افزون بر آثار منظوم کتاب های بنثر دارد که عبارت اند از :

1 - **اثر خزائن الفتوح** معروف بتاریخ علانی در تاریخ سلطان علاءالدین محمد خلجی .

2 - **افضل الفوائد** متضمن ملفوظات نظام الدین اولیاء مراد امیر خسرو دهلوی

3 - **رسائل الاعجاز خسروی** : در فن قواعد انشاء زبان فارسی . این کتاب را امیر خسرو در سه مجلد بسال 719 هـ.ق. باتمام رسانید .

**پنجم - قصیده شکوائیه : در هزل و انتقاد.**

از اشعار اوست :

**منتخب از منظومه مطالع الانوار:**

هرکه در او سیرت نیکو بود

آدمی از آدمیان او بود

وآنکه مزاجش همه زورست و زور

دور ز ما آدمیان است دور

نیکی مردم نه نکورویی است

خوی نکو مایه نیکویی است

مرد درون تیره و بیرون سلیم

زشت بود استر دیبا گلیم

بخل عیان به که بعشوه نوید

روی سیه به که ز پیسی سفید

بس بد خو که نکور و نمود

با خط بد کلک منقش چه سود

باز بسا تلخ که جوشد چومی

لیک صفاروی نماید ز وی

\*\*\*

منخب از منظومه بقیه نقیه او :

کجا بود من مدهوش را حضور نماز  
که کنج کعبه ز دیر مغان ندانم باز  
چو صوفی از من صافی نمی کند پرهیز  
مباش منکر دُردی کشان شاهد باز

بس است مطرب مفلس نوای سوختگان  
چو بلبل سحری می کند سماع آغاز  
بدان طمع که کند مرغ وصل خوبان صید  
دو دیده ام شده از شام تا سحرگه باز  
خیال زلف دراز تو گر نگیرد دست  
که بر سر آرد ازین ظلمتم شبان دراز  
تو در تنعم و نازی زما کی اندیشی  
که ناز ما به نیازست و نازش تو بناز  
اگر زخط تو چون موی سر بگردانم  
ببیند و چون سر زلفم بر آفتاب انداز  
گذشته شعر ز شعری و سوزش از گردون  
چرا که از پی آوازه می رود آواز  
خرد مجوی ز خسرو که اهل معنی را  
نظر بعشق حقیقت بود نه عقل مجاز  
اگر زخط تو چون موی سر بگردانم  
ببیند و چون سر زلفم بر آفتاب انداز  
گذشته شعر ز شعری و سوزش از گردون  
چرا که از پی آوازه می رود آواز  
خرد مجوی ز خسرو که اهل معنی را  
نظر بعشق حقیقت بود نه عقل مجاز  
\*\*\*\*

مائیم که از قبله به بُت خو کردیم  
دبیاچه نام و ننگ یکسو کردیم  
دل را که همی خزینه معرفتست  
بازیچه کودکان بُت رو کردیم  
\*\*\*\*

مائیم خراب جرعه می خواران  
مارا چه غم از طعنه نیکو کاران  
این سر که لگد می خورد از خمّاران  
کی غم خورد از سرزنش هشیاران  
\*\*\*\*

- 1- رجوع شود به :
  - سیر اولیاء ، تألیف : مولانا سید محمد مبارک علوی کرمانی معروف به « امیر خُرد » خلیفه سلطان المشایخ نظام الدین اولیاء ، چاپ دهلی ، سال 1302 قمری ، ص 301 - 305 و ص 125
  - فرهنگ فارسی ، مؤلف : دکتر محمد معین جلد اول ، ص 478 و 79 .
  - تاریخ فرشته ، تألیف : محمد قاسم فرشته ، ج 2 ص 754 .
  - دیوان امیر خسرو دهلوی ، با مقدمه و تصحیح محمد روشن ، انتشارات نگاه ، 1380
- 2- رجوع شود به :
  - نفحات الانس جامی ، چاپ تهران ، ص 610
  - بهارستان سخن ، چاپ مدارس ، 1958 ، ص 316 - 325